



Original Research

# The Role Of Good Faith Principle In Iranian Law And International Commercial Contracts (During Negotiation, Conclusion, Performance And Interpretation Of Contracts)

Nazila Taghavi<sup>1\*</sup>

1 Master of Private Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.

Article ID: ahrar-45870

<p><b>Received:</b> April 18, 2023</p> <p><b>Accepted:</b> July 13, 2023</p> <p><b>Available online:</b> September 22, 2023</p> <p><b>Keywords:</b> Good faith concept, Iranian law, Principles of International Commercial Contracts.</p> <p><b>Main Subjects:</b> Commercial law</p>	<p><b>Abstract</b></p> <p>Good faith principle, as one of the ethical principles, has a significant place in contract law. In our law, there is no separate article to observe good faith. However, by searching the provisions of various laws, especially insurance laws, and referring to them, we can infer a general rule for observing good faith in laws and make the parties to the contract obliged to observe it in all stages of the contract, including negotiation, conclusion, performance and interpretation. In fact, legal examples such as options, provisions regarding coercion and necessity, non-reliability of defects, deals of bankrupt merchants after acceptance, etc. can be considered as evidence of accepting this principle in Iranian law. On the other hand, according to Article 1-7 of the Principles of International Commercial Contracts, the parties must act in accordance with good faith and fair dealing. Therefore, the principle of good faith must be observed in all stages of the contract. The function of this rule can be seen in various provisions of these principles.</p>
--	---

\*Corresponding Author: Nazila taghavi

Address: Master of Private Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Gilan University, Rasht, Iran.

Email: [taghavi@gmail.com](mailto:taghavi@gmail.com)

**Extended Abstract****1. Introduction**

Since the parties to the contract are looking for their own benefit, the need to observe good faith in the contractual stages makes the parties refrain from acting in bad faith, cheating, abusing the other party, and the like. Despite the fact that the principle of good faith is a moral principle in all countries, including Iran, the Iranian legislator does not express the principle of good faith as a general principle. Although, in the meantime, the legislator's will to respect it can be understood in various articles. But on the other hand, the principles of international commercial contracts are clear regarding the reality of the principle of good faith. In this article, we intend to discuss the position of goodwill in different phases

**2. Theoretical Framework**

Among the questions that are raised in the field of good faith is whether good faith is accepted in Iranian law? Is it necessary to observe good faith in the principles of international commercial contracts? Is failure to observe good faith accompanied by a performance guarantee? This article consists of two parts. The first part refers to the concepts, sources and types of goodwill. In the second part, the role of the first degree of good faith in the contract (preliminary negotiations, conclusion, implementation and interpretation) is discussed. The third part is dedicated to the guarantee of good faith implementation

**3. Methodology**

Library research is a regular process to collect information to write this article and it was done by using books and articles.

**4. Results & Discussion**

Basically, it is the characteristic of some concepts that they are excluded from the definition and it is not possible to provide a fixed definition of it, because they are irregular and unclear. In fact, goodwill does not have a small meaning and is considered one of the conscientious qualities. However, the authors and Different jurists have defined this term. For example, some consider good faith as a difficult term that should be defined by judges and lawyers according to the time period and circumstances of each case. Another definition of good faith emphasizes the use of this principle by the courts to apply the opinion of the parties to the contract, which may affect the rights and obligations of the parties to the contract. In this way, the courts consider good faith as something that closes It is at the discretion of each of the parties to the contract, in other words, each of the parties, based on the conditions and circumstances, should use a conventional degree of honesty in order to meet the reasonable expectations of the other party from the contract.

**5. Conclusions & Suggestions.**

The principle of good faith has been accepted as a general and comprehensive rule in Article 1-7 of the international commercial contractual principles. At the same time, various materials of these principles show the great importance of this principle. In fact, the principle of good faith in these principles has a wide meaning and function, the scope of which includes all the materials of these principles. The purpose of this principle is to apply common standards in commercial transactions. This principle complements the principles of international commercial contracts, and when absolute compliance with the principles of international commercial contracts results in unfair rules, the application



of the principle of good faith takes precedence over other regulations. It is worth mentioning that in these principles, the parties cannot deny or limit this principle and its effects and results



## جایگاه اصل حسن نیت در حقوق ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی (در مراحل مذاکرات، انعقاد، اجرا و تفسیر قراردادی)

نازیلا تقوی<sup>۱</sup>

۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

کد مقاله: ahrar-45870	
<p><b>چکیده</b></p> <p>حسن نیت به عنوان یکی از اصول اخلاقی، در حقوق قراردادهای جایگاهی بس شگرف یافته است در قانون ما جای یک ماده ی مستقلی برای رعایت حسن نیت خالی است. اما با جستجو در مواد قوانین مختلف به خصوص بیمه و استناد به آنها می توان، می توان قاعده ی کلی را از طریق استقرا در قوانین جهت رعایت حسن نیت وضع و اجرا کرد و طرفین قرارداد را ملزم به رعایت آن در تمام مراحل قرارداد اعم از مذاکرات قراردادی، انعقاد، اجرا و تفسیر نمود. در واقع مصادیق قانونی چون، اختیارات، احکام بیان شده در زمینه ی اکراه و اضطرار، اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، معاملات تاجر ورشکسته بعد از تصدیق قبولی و ... را می توان نشان از پذیرش این اصل در حقوق ایران، قلمداد نمود. در مقابل ماده ی ۱-۷ اصول قراردادهای تجاری بین المللی مقرر داشته طرفین باید مطابق با حسن نیت و معامله ی منصفانه عمل نمایند. براین اساس، اصل حسن نیت در کلیه مراحل قراردادی باید رعایت گردد. کارکرد این قاعده در جای جای این اصول مشاهده می شود.</p>	<p><b>تاریخ دریافت:</b> ۲۹ فروردین ۱۴۰۲</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۲۲ تیر ۱۴۰۲</p> <p><b>تاریخ انتشار:</b> ۳۱ شهریور ۱۴۰۲</p> <p><b>کلیدواژه ها:</b> مفهوم حسن نیت، حقوق ایران، اصول قراردادهای بین المللی.</p> <p><b>محورهای موضوعی:</b> حقوق تجارت</p>

<sup>۱</sup>نویسنده مسئول: نازیلا تقوی

آدرس: کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

ایمیل: [taghavi@gmail.com](mailto:taghavi@gmail.com)



## ۱- مقدمه

از آنجایی که طرفین قرارداد به دنبال نفع خود می باشند، لزوم رعایت حسن نیت در مراحل قراردادی باعث می شود تا طرفین از رفتارهای با سوء نیت، تقلب، سوء استفاده از طرف دیگر و مصداقی از این دست خودداری کنند. با وجود این که اصل حسن نیت یک اصل اخلاقی در همه ی کشورها از جمله ایران است، اما قانونگذار ایران از اصل حسن نیت به عنوان اصلی عام تقریری ندارد. هر چند که در ضمن مواد مختلف اراده ی قانونگذار مبنی بر رعایت آن قابل برداشت است. اما در مقابل اصول قراردادهای تجاری بین المللی در جهت رعایت اصل حسن نیت دارای صراحت می باشد. در این نوشتار برآنیم تا جایگاه حسن نیت را در مراحل مختلف قراردادی از جمله سوالاتی که در زمینه ی حسن نیت مطرح میگردد، عبارت است از این که آیا حسن نیت در حقوق ایران پذیرفته شده است؟ آیا لزوم رعایت حسن نیت در اصول قراردادهای تجاری بین المللی مقرر شده است؟ آیا عدم رعایت حسن نیت با ضمانت اجرا همراه می باشد؟ این نوشتار از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول ناظر به مفاهیم و منابع و اقسام حسن نیت می باشد. در بخش دوم از نقش حسن نیت درجه اول مختلف قراردادی ( مذاکرات مقدماتی، انعقاد، اجرا و تفسیر ) بحث می شود. بخش سوم نیز به ضمانت اجرای حسن نیت اختصاص دارد.

## ۲- مفهوم حسن نیت

اساساً خصیصه ی بعضی از مفاهیم آن است که مستثنی از تعریف هستند و نمی توان تعریف ثابتی از آن ارائه کرد، زیرا بی قاعده و غیر شفاف هستند. (Juenger, 1995: 125) در واقع حسن نیت مفهوم کمی نداشته و از کیفیات وجدانی محسوب می گردد (انصاری، ۱۳۹۱: ۵۹). با این وجود نویسندگان و حقوقدانان مختلف هر یک تعاریفی از این اصطلاح نموده اند. مثلاً برخی، حسن نیت را به عنوان اصطلاحی دشوار می شناسند که تعریف آن با توجه به دوره ی زمانی و شرایط و اوضاع و احوال هر مورد باید بر عهده ی قضات و حقوقدانان قرار گیرد. (Powers, 1999: 333) تعریف دیگر از حسن نیت بر استفاده از این اصل توسط دادگاه ها جهت اعمال نظر طرفین قرارداد تاکید می کند، که ممکن است بر حقوق و تکالیف طرفین قرارداد موثر واقع گردد. در این روش دادگاه ها حسن نیت را به عنوان امری می دانند که بسته به صلاحدید هر یک از طرفین قرارداد می باشد، به عبارت دیگر، هر یک از طرفین بر اساس شرایط و اوضاع و احوال باید درجه ای متعارف از صداقت را بکار برند تا انتظارات معقول طرف مقابل از قرارداد برآورده گردد. (Burton, 2001: 444-445) فرهنگ حقوقی بلک نیز حسن نیت را مفهوم ذهنی و نیت فردی می داند که مبنی بر صداقت در باور و هدف، نیت انجام تکلیف فرد، رعایت استانداردهای متعارفی از عدالت در قرارداد یا فقدان نیت تدلیس مبتنی است. (Garner, 2009: 762) عده ای بیان کرده اند که در مقابل حسن نیت، سوء نیت قرار دارد که هنگامی رخ می دهد که یک شخص بدون دلیل موجهی در قرارداد به گونه ای رفتار نماید که به طرف مقابل صدمه ای اساسی وارد گردد، به گونه ای که با هدف متعارف طرفین مطابق با قرارداد مغایر باشد. (Tetly, 2004: 9) عده ای هم حسن نیت را در رفتار صادقانه و درست فرد مبنی بر اجرای قرارداد، بدون فریب طرف مقابل تعریف می نمایند. (Wieacker, 1989: 652) با در نظر گرفتن کلیه ابعاد می توان حسن نیت را در دو معنا ترسیم نمود، اول: وجود صداقت و اخلاص در مذاکرات مقدماتی، انعقاد، اجرا و تفسیر قرارداد. به این معنا که حسن نیت یک اصل الزام آور و تکلیفی می باشد که متعاقب آن طرفین باید در نهایت صداقت در معامله رفتار بنمایند. دوم، تصور اشتباه که جوهره ی آن را جهل تشکیل می دهد و موجب حمایت قانونگذار از شخص با حسن نیت می شود. اصل حسن نیت در جهان حقوقی همچون مفاهیم دیگر طرفداران و مخالفانی داشته است. مخالفان اصل مزبور بیان داشته اند که اعمال این مفهوم خطری دو سویه دارد. چرا که اولاً



اعمال احساسات خیرخواهانه که موجب تضعیف قطعیت قراردادهای می شود را تجویز می نماید، ثانیاً این اصل موجب می شود که قرارداد به موجب نظرات عینی و شخصی قضات تفسیر شود. گفته شده این خطر هنگامی ایجاد می شود که نظریه ی حسن نیت، قضات را ملزم به اعمال مفاهیم ثابتی مانند اخلاقیات در طی زمان نماید. بنابراین حسن نیت که اصطلاح لغزنده و غیر ثابت است که نقطه نظر ثابت جوامع را منعکس می نماید. به ویژه در زمانی که تغییرات با سرعت بالایی رخ دهند. (F.Gutierrez Falla, 2005:508) حسن نیت در معنای وسیع خود نه تنها معاملات بلکه حوزه حقوق احوال، خانواده، آیین دادرسی مدنی، حقوق عمومی و بین الملل کاربرد دارد و مبنای وضع قوانین در کشورهای مختلف و کنوانسیون های بین المللی است. لذا این کلیت حسن نیت آن را به عنوان یک اصل بنیادین حقوقی تبدیل کرده است که مبنای تعهدات است.

## ۲-۱- معیار حسن نیت

در خصوص حسن نیت دو معیار شخصی و نوعی ارائه شده است. برخی معتقد هستند که چون نظریه نوعی مجرد گرا است، در حالی که عقود تابع مصالح متعاقدین است، پس باید در قراردادهای به نظریه شخصی متمایل شد. در مقابل گفته شده است که درست نیست، گفته شود، حسن نیت چون مربوط به نیت است، از امور شخصی است. چرا که این بحث در حقوق درباره مفاهیم مشابه آن چون علم و جهل نیز کاملاً درونی هستند، مطرح است. از طرفی پذیرفتن معیار شخصی با مشکلاتی همراه است. از جمله این که منجر به سخت شدن کار دادرسی می شود. چون با ورود به انگیزه های شخصی در قراردادهای، قراردادهای متزلزل می شوند. همچنین اگر در صحت انجام عملی شک شود و عمل عامل منجر به سوء ظن عرفی نه شخصی شود، حسن نیت در این جا وجود ندارد. همچنین ممکن است فردی امری را عادلانه تصور کند، در حالی که از نظر نوعی آن عمل عادلانه نباشد و از آن جایی که حسن نیت بر نظر شخصی افراد بسته نمی باشد، معیار عرفی تعیین کننده حسن نیت می باشد (اسکینی و شهرکی، ۱۳۸۶: ۷). به نظر می رسد بهتر است، تلفیقی از معیار شخصی و نوعی را جهت تشخیص وجود حسن نیت یا فقدان آن را برگزید. بدین معنا که قرارداد، موافق استنباط افراد متعارف همان سنخ در همان اوضاع و احوال تفسیر شود. این ملاک، معیار مجرد و نوعی مطلق نیست، بلکه ملاک، درکی است که به طور معقول می توان از افراد مثلاً با همان دانش زبانی، مهارت فنی و یا تجربه ی تجاری طرفین انتظار داشت. حسن نیت به دو دسته تقسیم می شود. اول حسن نیت عینی می باشد، که مطابق با قواعد رفتار است. برای مثال رعایت حسن نیت عینی از سوی طرفین به این معنا است که داین نباید بیش از میزان دینش را مطالبه نماید و مدیون نیز نباید کمتر از میزان دین خویش را انجام دهد. در واقع حسن نیت عینی شکلی از رفتار مورد نیاز را تشکیل می دهد. بدین معنا که در این قسم در واقع و عملاً فعل فرد مطابق با قانون و از روی حسن نیت است. (Messineo, 1952:206) قسم دوم حسن نیت، ذهنی است که مطابق با حالت ذهنی فاعل است. در واقع حسن نیت شخصی، باور یا حالت روانی شخصی است که معتقد است، مطابق قانون و از روی حسن نیت، تعهدات قراردادی خویش را اجرا می نماید. گفته شده، حسن نیت ذهنی، باوری راسخ، در مورد مشروعیت امری است که وضعیت قضایی خاص با آن تحصیل شده و ادامه می یابد. (Ferreya, 1972:184)

## ۳- جایگاه حسن نیت در حقوق ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی

قانون مدنی ایران از لزوم رعایت حسن نیت در قراردادهای تصریحی ندارد. این سکوت منجر شده تا تعدادی از حقوق دانان از آن سخنی به میان نیاورند در واقع عدم شناسایی حسن نیت به عنوان اصلی کلی به دلیل فقدان سابقه این کلمه در فقه امامیه به عنوان یک منبع حقوق



است. به همین دلیل نویسندگان قانون مدنی وقتی در ترجمه ی قوانین خارجی به کلمه حسن نیت می رسیدند یا آن را حذف می کردند یا تبدیل به یک اصطلاح دیگری می کردند. با این بیان برخی حقوقدانان قائل به این هستند که قانونگذار مخالف وجود این اصل است. اما در مقابل این دیدگاه، آقای مصطفی عدل، که خود از اولین شارحان قانون مدنی ایران بوده است، ماده ی ۲۲۰ قانون مدنی را مستند اجرای با حسن نیت قراردادهای می داند. (عدل، ۱۳۷۳: ۱۳۰) برخی از نویسندگان به طور ضمنی اجرای با حسن نیت قرارداد را از لوازم عرفی قرارداد، قلمداد می نمایند (صفایی، ۱۳۸۲: ۱۶۰). یکی از مولفین حقوقی بیان داشته که در حقوق ایران، عرف و عادت که ضابطه ای برای تعیین روابط قراردادی طرفین است، جز در موارد استثنایی، می تواند جانشین حسن نیت باشد (شهیدی، ۱۳۸۲: ۱۱۴). اما باید بیان کرد که حسن نیت از مفاهیم مستقلی است که، تاسیس های دیگر در حقوق داخلی مثل عرف نمی تواند جایگزین آن شود. حسن نیت از مفاهیم انتزاعی «بایدها» است، در حالی که عرف به « هست ها» می پردازد. عرف به عرف زمان، مکان، خاص و عام، صریح و ضمنی، درست و نادرست تقسیم می شود، اما حسن نیت فارغ از این تقسیم است. عرف از جمله قواعد تکمیلی است، اما حسن نیت جزو قواعد آمرانه می باشد. با این حال بین عرف و حسن نیت رابطه وجود دارد. براین اساس که بعد از ایجاد تعهد کلی، عرف مصادیق جزئی آن را مشخص می کند (انصاری، ۱۳۹۱: ۲۸۱).. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به رعایت حسن نیت در معاملات پافشاری می نمایند. به طور مثال در آیات ۱-۵ سوره ی مطففین آمده است، « وای برکم فروشان که چون از مردم پیمانان ستانند، تمام ستانند، چون برآنان پیمانان وزن کنند، به ایشان کم دهند، مگر آن ها نمی دانند که برانگیخته خواهند شد». خداوند در آیه ی ۸۵ سوره ی هود می فرماید: « ای قوم من، پیمانان و ترازو را عادلانه و تمام بدهید و اجناس مردم را کم شمارتر و کم ارزش تر به حساب نیاورید». حسن نیت در فقه به عنوان یکی از اصول کلی حقوق مورد توجه قرار نگرفته است. ولی در این سیستم نهادهای دیگری وجود دارد که از مجموع آنها می توان دریافت، که پذیرش حسن نیت مغایرتی با این سیستم ندارد. نهادهایی مانند ممنوعیت تدلیس، غبن، غش، و ... وجود دارد که از آن ها می توان ممنوعیت رفتارهای مغایر با حسن نیت را استنباط کرد. همچنین در قسمتهای آداب تجارت، مکاسب محرمه و بیع و خیارات به حسن نیت توجه شده است. از جمله شیخ صدوق در کتاب الهدایه بالخبر می گوید: « کسی که تجارت می کند، باید از پنج چیز اجتناب کند، قسم، دروغ، کتمان عیب، مدح کردن زمانی که چیزی که می فروشد و نکوهش کردن زمانی که چیزی می خرد» (موسوی بجنوری، ۱۳۸۶: ۱۲). لزوم رعایت حسن نیت از قواعد فقهی مختلفی نیز برداشت می شود. از جمله، قاعده ی غرور که برطبق این قاعده کسی که در اثر عمل یا رفتار فرد دیگر فریب خورده و متحمل خسارت شده است، حق رجوع به سبب درد و زیان را دارد. منع فریب از جمله موضوعاتی است که در مقوله ی حسن نیت جای می گیرد ( موسوی بجنوری، ۱۳۸۶: ۱۶). همچنین به موجب قاعده ی احسان اگر کسی برای جلب منفعت به دیگری یا دفع ضرر از او اقدامی انجام دهد که از این میان به دیگری ضرری وارد شود، فرد اقدام کننده که محسن نام دارد، ضامن نمی باشد. در واقع چنین فردی با حسن نیت تلقی می گردد (همان). بر اساس قاعده ی لاضرر نیز افراد نمی توانند به دیگران ضرر برسانند و حتی به صراحت اصل ۴۰ قانون اساسی اعمال حق و حقوق مالکانه نیز نمی تواند موجب اضرار به غیر باشد که این امر، جنبه ی سلبی از مفهوم حسن نیت است. ماده ی ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین المللی مقرر کرده است: «هر یک از طرفین مکلف است در تجارت بین الملل، بر اساس حسن نیت و معامله ی منصفانه عمل نماید. طرفین نمی توانند این تکلیف را مستثنا یا محدود نمایند». مفاد این ماده بیانگر آن است که اصل حسن نیت در جای جای این اصول جای دارد و اصل حسن نیت در کلیه مراحل قراردادی اعم از مذاکرات مقدماتی، انعقاد، اجرا و تفسیر قرارداد باید رعایت گردد. علاوه بر ماده ی فوق شماری از مقررات در سراسر بخش های مختلف این اصول وجود دارند که اجرای مستقیم یا غیر مستقیم اصل حسن نیت را در بر دارند. در حقوق ایران نیز، با وجود، عدم تصریح قانون گذار به لزوم رعایت حسن نیت، با توجه به منابعی که ذکر گردید و با جستجو ضمن مواد مختلف قوانین، می توان به لزوم رعایت حسن نیت در قراردادهای پی برد. در ذیل به ذکر برخی از مواد قانونی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی، به ترتیب در مراحل مختلف مذاکرات مقدماتی، انعقاد، اجرا و تفسیر می پردازیم.



### ۳-۱- لزوم رعایت حسن نیت در مرحله مذاکرات مقدماتی

حسن نیت در دوره ی پیش قراردادی، به این معنی می باشد که طرفین به وسیله ی اعمال و گفتار غیرصادقانه، در صدد تحریک طرف دیگر برای انعقاد قرارداد نباشد. البته هیچ کس را نمی توان به استناد همین گفتگوها پیش از ایجاب و قبول به انعقاد عقد، مجبور ساخت. اما همین گفتگوها امکان دارد کسی دیگر را بیهوده امیدوار سازد و از حسن نیت او سوء استفاده شود. گفته شده، در پاسخ به خواسته های عدالت اساسی، تمام نظام های حقوقی مدرن، این اصل را می پذیرند که رفتار فردی که در مرحله ی پیش قراردادی به درستی رفتار نمی نماید، قابل سرزنش است. در واقع، در رابطه با اصل مذکور دو نظام وجود دارد. نظامی که صراحتاً این حق را به رسمیت می شناسد، مانند ماده ی ۱۳۳۷ قانون مدنی ایتالیا و نظام هایی که این حق را بر مبنای اصول مسولیت خارج از قراردادی می شناسند، مانند فرانسه و سوئیس. نظام دوم، هم چنین در رویه ی قضایی کشور هایی که از ماده ی ۱۹۰۲ قانون مدنی اسپانیا تبعیت می کنند، نیز یافت می شود. این ماده می گوید، فردی که برخلاف قانون چه عمدی و چه از روی بی مبالاتی به دیگری خسارت وارد نماید، ملزم به جبران خسارت فرد زیان دیده است. گفته شده همین الزام به فردی که عمداً به دیگری با نقض هنجارهای عمومی در مرحله ی مقدماتی خسارت وارد می نماید، نیز تحمیل می گردد و با وجود این که قاعده ی صریحی مبنی بر آن وجود ندارد، اصل حسن نیت نه فقط یکی از قواعد اساسی تمام تعهدات، بلکه از قواعد اساسی دستورات قضایی و قانونی، محسوب می شود. (Gutierrez, 2005:51) شایان ذکر است که اصل حسن نیت زمانی در قرارداد نادیده گرفته می شود که اولاً یکی از طرفین این باور را داشته باشد که قرارداد اجرا می گردد، ثانیاً فرد نقض کننده بدون دلیل موجهی از انعقاد قرارداد امتناع نماید و ثالثاً فرد نقض کننده به فرد با حسن نیت خسارت وارد سازد.

### ۳-۲- جایگاه حسن نیت در دوره پیش قراردادی در حقوق ایران

حسن نیت در این مرحله، طرفین را متعهد به جدیت، شفافیت و ارائه ی اطلاعات و رازداری می نماید که هر یک از تعهدات در ذیل به اختصار توضیح داده می شود.

#### ۳-۲-۱- تعهد به جدیت

اصل بر این می باشد که هیچ خریدار و فروشنده ای بدون جدیت، برای انعقاد عقد، به مذاکره مقدماتی نمی پردازند. جدی بودن در دوره ی پیش قراردادی، مبتنی بر اصل حسن نیت می باشد. گفته شده اگر یکی از طرفین بدون داشتن قصد جدی برای انعقاد قرارداد به مذاکره بپردازد و موجب شود طرف دیگر متحمل هزینه هایی شود، مسول خسارت وارده می باشد. همچنین که اگر یکی از طرفین در جریان گفتگوی مقدماتی، قرارداد مشابهی با شخص ثالث منعقد کند و درعین حال مذاکره را ادامه دهد و موجب شود طرف دیگر متحمل هزینه هایی گردد، در برابر وی مسئول است (باریکلو و خزایی، ۱۳۹۰: ۶۵).

#### ۳-۲-۲- تعهد به شفافیت

مقتضای اصل حسن نیت شفاف بودن، در دوره ی پیش قراردادی است. در واقع استفاده از کلمات و عبارات و الفاظ مبهم ممکن است، منجر به اختلاف طرفین در ماهیت قرارداد و یا خود موضوع معامله شود، (ماوقع لم یقصد و ما قصد لم یقع) و در نهایت بطلان یا بی اثر شدن





آن چه منعقد شده شود و یا ابهام در شرایط فرعی قرارداد، می تواند مسبب خیار گردد. بنابراین اگر یکی از طرفین در این مرحله با اظهارات مبهم خود سبب گمراهی طرف دیگر شود، حسب مورد ممکن است مقصر محسوب و مسول خسارت وارده، شناخته شود (همان: ۶۶). ماده ۳۵ قانون تجارت الکترونیک مقرر گردیده است: «اطلاعات اعلامی و تاییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف کننده باید بادوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و براساس لزوم حسن نیت در معاملات... ارائه شود.»

### ۳-۲-۳- تعهد به ارائه ی اطلاعات

مقتضای این اصل اطلاع رسانی در دوره ی پیش قراردادی است. طرفین باید در جریان گفتگوی مقدماتی، در رابطه با عناصر اساسی قرارداد که در تصمیم گیری شان موثر است، تبادل اطلاعات بنمایند. اطلاعات به دو دسته تقسیم می شوند: گروه اول، اطلاعاتی هستند که در تصمیم گیری برای انعقاد قرارداد اثری ندارد و گروه دوم، شامل اطلاعاتی است که در تصمیم گیری برای انعقاد قرارداد موثر است. اطلاعاتی از قبیل، موضوع معامله، شخصیت طرف معامله در مواردی که علت عمده عقد است و اعلام بی فایده بودن یا فقدان قابلیت اجرای قرارداد (همان: ۶۸). در قوانین ایران تعهد به ارائه ی اطلاعات به عنوان اصلی کلی شناسایی نشده است، اما نشانه هایی از آن را می توان در برخی قوانین مشاهده کرد که در ذیل به آن ها اشاره می شود.

### ۳-۲-۳-۱- اجتناب از ارائه اطلاعات کاذب

ماده ی ۱۳ قانون بیمه مقرر کرده است «اگر خودداری از اظهار مطالبی یا اظهارات خلاف واقع از روی عمد نباشد، عقد بیمه باطل نمی شود». ماده ی ۱۵ این قانون نیز مقرر کرده است «هر گاه بیمه گذار از اظهار مطالبی خودداری کند، مطالب اظهار نشده طوری باشد که موضع خطر را تغییر دهد یا از اهمیت آن در نظر بیمه گر بکاهد، عقد بیمه باطل است.»

بیمه یک قرارداد بر مبنای تعهدات طرفین است. به این نحو که بیمه گر به اظهارات بیمه گذار خویش اعتماد می کند. بنابراین مخفی کردن اطلاعات منجر به گمراهی بیمه گر در تخمین ریسک و خطر می شود. در واقع کتمان اطلاعات، منجر به بطلان قرارداد بیمه می شود. زیرا خطری که در جریان است از خطری که در زمان انعقاد قرارداد توسط بیمه گر استنباط شده است، متفاوت است (عبدی مصباح، ۱۳۸۵: ۲۰). در واقع می توان گفت که بیمه گذار به واسطه ی نداشتن حسن نیت در اظهارات خود، مستوجب این مجازات مدنی است.

### ۳-۲-۳-۲- ارائه اطلاعات لازم و اجتناب از ارائه ی اطلاعات نادرست

قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان در بند ۲ ماده ی ۳ عرضه کنندگان کالا و خدمات و تولید کنندگان را مکلف ساخته «نوع، کیفیت و کمیت، آگاهی های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید، انقضای مصرف را در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند». ماده ی ۷ این قانون نیز مقرر کرده است «تبلیغات خلاف واقع و ارائه ی اطلاعات نادرست که موجب فریب یا اشتباه مصرف کننده از جمله از طریق وسایل ارتباط جمعی، رسانه های گروهی و برگه های تبلیغاتی شود، ممنوع است». ماده ی ۳۳ قانون تجارت الکترونیک نیز مقرر داشته است: «فروشنندگان کالا و



ارائه دهندگان خدمات، بایستی اطلاعات موثر در تصمیم گیری مصرف کنندگان جهت خرید و یا قبول شرایط را از زمانی مناسب قبل از عقد در اختیار مصرف کنندگان قرار دهند

### ۳-۲-۳- رعایت حسن نیت در ارائه اطلاعات

براساس ماده ی ۳۵ قانون تجارت الکترونیک، «اطلاعات اعلامی باید... براساس لزوم حسن نیت در معاملات ارائه شود». ماده ی ۵ این قانون نیز مقرر کرده است: «تامین کنندگان در تبلیغ کالا و خدمات خود، نباید مرتکب یا ترک فعلی شوند که منجر به مشتبه شدن یا فریب مخاطب از حیث کمیت و کیفیت شود.»

### ۴- تعهد به رازداری

مقتضای اصل حسن نیت آن است که اگر اطلاعات ارائه شده توسط یکی از طرفین، متضمن اسرار حرفه ایی باشد، طرف دیگر حق افشای آن ها را نداشته باشد (باریکلو و خزایی، ۱۳۹۰: ۷۳). ماده ی ۲۱ آیین نامه شماره ۶ دلالتی رسمی بیمه مقرر داشته است: «دلال رسمی بیمه ملزم به حفظ اسرار و اطلاعاتی است که به مناسبت شغل خود به دست می آورد». ماده ی ۶۴ قانون تجارت الکترونیک نیز مقرر داشته است: «به منظور حمایت از رقابت های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی تسهیل غیرقانونی اصرار تجاری و اقتصادی بنگاه ها و موسسات برای خود یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید». براساس ماده ی ۶۵ قانون اخیرالذکر: «اسرار تجاری الکترونیکی داده پیمایی است که شامل اطلاعات فرمول ها، الگوها، نرم افزارها و برنامه های ابزار و روشهای تکنیک ها و فرایند ها، تالیفات منتشر نشده، روشهای انجام تجارت، فنون نقشه ها، فراگردها، اطلاعات مالی، فهرست مشتریان و طرحهای تجاری که بطور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاش های معقولانه ای برای حفظ و حراست از آنها، انجام شده است.»

### ۵- حسن نیت در در دوره پیش قراردادی در اصول قراردادهای تجاری بین المللی

در این اصول با وجود قاعده ی عام در خصوص لزوم رعایت حسن نیت در تمام مراحل مقدماتی وجود دارد، موادی در آن یافت می شود که به لزوم رعایت آن در این مرحله تاکید گردیده است.

### ۵-۱- مذاکره با سوء نیت

به موجب ماده ۲-۱۵ اصول قراردادهای بازرگانی بین المللی «(۱) هر یک از طرفین مختار است که وارد مذاکره شود و ضامن عدم حصول توافق نمی باشد، (۲) معذک طرفی که مذاکره می کند یا با سوء نیت مذاکرات را قطع می کند، ضامن خسارات وارده به طرف مقابل خواهد بود (۳) به ویژه اگر طرفی وارد مذاکره شد و آن را ادامه دهد اما قصد نیل به توافق با طرف دیگر را نداشته باشد، این امر سوء نیت محسوب



می شود». با وجود اینکه طرفین مخیرند که به منظور انعقاد قرارداد تصمیم بگیرند که چه موقع، با چه کسی و چگونه وارد مذاکره با دیگری شوند، لیکن این اختیار ورود به مذاکرات نامحدود نیست و نباید با اصل حسن نیت تعارض باشد. نمونه هایی از عدم رعایت حسن نیت وجود دارد. مثلاً چنانچه یک طرف عمداً با سهل انگاری، طرف دیگر را در مورد ماهیت یا شرایط قرارداد پیشنهادی گمراه سازد یا بر طبق بند ۳ این ماده بدون قصد انعقاد قرارداد، وارد مذاکره شود. همچنین قطع مذاکرات نیز تابع اصل حسن نیت می باشد. بدین معنا که چنانچه در روند مذاکرات، بدون احراز نتیجه ی ایجاب و قبول، طرف دیگر بدون عذر موجه، مذاکرات را قطع کند. برای مثال الف به ب اطمینان می دهد که چنانچه ب تجاری را کسب کند و آماده ی سرمایه گذاری به مبلغ X تومان می باشد، حق نمایندگی به او اعطا می کند. طی چند وقت آتی ب به منظور انعقاد قرارداد، تدارک وسیعی می بیند و در هنگام که همه چیز برای امضا توافق آماده است، الف به ب اطلاع می دهد که باید مبلغ بیشتری سرمایه گذاری کند. چنانچه ب افزایش سرمایه را قبول ننماید، حق دارد، هزینه هایی را که منظور انعقاد قرارداد متحمل شده از الف مطالبه کند، چرا که اوبا توجه به مبلغ قبلی تدارک دیده است (نوری، ۱۳۷۸: ۵۸).

## ۵-۲- وظیفه حفظ اسرار

وظیفه عمومی دایر بر افشا وجود ندارد، لذا طرفین هنگامی که به منظور انعقاد قرارداد وارد گفتگو می شوند، عرفاً تکلیفی بر محرمانه قلمداد نمودن اطلاعات ندارند و مختار هستند که واقعیات مربوط به معاملات را افشا نمایند. اما در برخی موارد ممکن است یک طرف در اطلاعات معینی که به طرف دیگر می دهد، منافعی داشته باشد و نخواهد آن افشا شوند و یا در جهت مقاصد دیگری غیر از آنچه مورد نظر بوده استفاده شوند. در این حالت، چه در صورت بیان صریح طرف معامله به عدم افشای اطلاعات مبادله شده و چه در غیاب چنین اعلام صریحی، طرف دریافت کننده، موظف به حفظ محرمانه اطلاعات می باشد. بنابراین افشای اطلاعاتی که دارای طبیعت خاصی هستند، توسط دریافت کننده، مغایر با اصل حسن نیت می باشد (همان: ۵۹). از همین رو ماده ی ۲-۱۶ این اصول مقرر داشته است: «هرگاه یک طرف در جریان مذاکرات، اطلاعاتی به عنوان محرمانه در اختیار طرف دیگر قرار داده باشد، طرف دیگر مکلف است، از افشای آن اطلاعات یا استفاده نامناسب آن در جهت اهداف خود بپرهیزد. اعم از این که قرارداد متعاقباً منعقد شود یا خیر. در صورت اقتضا، جبران خسارت ناشی از نقص آن تکلیف می تواند شامل ترمیم بر اساس نفع حاصل طرف دیگر باشد.»

## ۵-۳- عدم فریب طرف قرارداد در مذاکراتی مقدماتی

به موجب ماده ۳-۸ این اصول: «هر طرف می تواند قرارداد را فسخ کند، در صورتی که بر اثر وصف توأم با نیرنگ یا تدلیس طرف دیگر از جمله از زبان یا اعمال یا عدم افشای اوضاع و احوالی مطابق معیارهای بارزگانی معقول معامله منصفانه، طرف اخیر تکلیف افشای آن را داشته باشد، وارد معامله شده باشد». فریب در معاملات می تواند متضمن وصف، اعم از صریح یا ضمنی دروغین موضوعات یا عدم افشای واقعیات راستین باشد. در واقع آنچه به طرف فریب خورده حق فسخ قرارداد را می دهد، وصف فریب آمیز یا عدم افشای واقعیات مربوط است (همان: ۸۶). درخواست فسخ قرارداد از سوی فردی که فریب خورده است، مبتنی بر فقدان حسن نیت طرفی است که با وجود نقض قلمرو صداقت و درستی در توافق خواستار اجرای قرارداد مورد نظر است.



## ۶- نقش حسن نیت در انعقاد قرارداد

حسن نیت در مرحله ی انعقاد قرارداد عبارت است از: رعایت رفتار صادقانه در این مرحله می باشد. رعایت حسن نیت در این مرحله متضمن اجتناب از تدلیس و سوء استفاده از حق، اکراه، اعمال ناروا و مغبون نمودن طرف مقابل است. در ذیل نقش حسن نیت در انعقاد قراردادها را در این نظام حقوقی ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی مورد بررسی قرار می دهیم.

### ۶-۱- نقش حسن نیت در حقوق ایران

حسن نیت در این مرحله به معنای رفتار صادقانه و درست فرد مبنی بر انعقاد قرارداد بدون فریب طرف مقابل است. (Wieacker, 1986:652) حسن نیت در این مرحله صراحتاً در ماده ای قید نشده است. اما در ضمن مواد قانونی می توان به آن پی برد، که متعاقباً اشاره می گردد.

#### ۶-۱-۱- اکراه

یکی از شرایط صحت معاملات وجود رضا در اعلام قصد طرفین است. هر گاه رضای به معامله در نتیجه ی ترس از رنج و ضرری باشد که معامل را تهدید می کند، معامله نفوذ حقوقی ندارد. در تعریف اکراه گفته شده که « فشار غیر عادی و نامشروعی است که به منظور وادار ساختن شخص به انجام عمل حقوقی معین بر او وارد می شود». در واقع شخص مکره وادار به افشای عمل حقوقی شده است، هر گاه فشار وجود نداشت شاید به آن رضایت نمی داد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۹۵). فشار نامشروع از مصادیق عدم رعایت حسن نیت می باشد که منجر به وضع ماده ی ۲۰۳ قانون مدنی بر عدم نفوذ چنین معامله ایی شده است.

#### ۶-۱-۲- اضطرار

اضطرار از عیوب رضا نیست و مفهومی جداگانه از اکراه به شمار می آید. برخی از استادان بیان می دارند اگر شخصی از وضع خطرناکی که در مانده ای دارد، استفاده ی نامشروع کند و با تهدید به خودداری از کاری که برای درمانده جنبه ی حمایتی دارد او را وادار به، بر عهده گرفتن التزامی سنگین، نماید حقوق نمی توان آن را نادیده بگیرد. این از موارد سوء استفاده آگاهانه و نامشروع از وضع آشفته طرف و ترساندن وی می باشد که مبنای عدم نفوذ و عیب اراده قرار می گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۵۱۱). به عنوان نمونه قانونی می توان ماده ی ۱۷۹ قانون دریایی ایران را مثال آورد، که مقرر داشته: « در هر قرارداد کمک و نجات که در حین خطر و تحت تاثیر آن منعقد شده و شرایط آن به تشخیص دادگاه غیر عادلانه باشد ممکن است به تقاضای هر یک از طرفین به وسیله دادگاه باطل یا تغییر داده شود». ماده ی مزبور اگر چه حکمی خاص است اما می توان آن را به موارد مشابه تسری داد.

**۶-۱-۳- معامله فضولی**

در معامله فضولی اصل حسن نیت به این ترتیب اثر دارد که براساس ماده ی ۲۳۶ قانون مدنی اصیل در صورت جهل به فضولی بودن معامله حق دارد، برای گرفتن ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای گرفتن ثمن را خواهد داشت.

**۶-۱-۴- وقف به علت اضرار به دیان**

ماده ی ۶۵ قانون مدنی مقرر کرده است: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقع شده باشد، منوط به اجازه ی دیان است». مقصود از علت در این ماده علت نمایی یا انگیزه ی واقف است که اگر اضرار به دیان باشد، وقف را غیرنافذ میکند. اثر حسن نیت در این ماده مشهود است و قانونگذار صحت عمل حقوقی واقف بدون حسن نیت را منوط به اجازه ی دیان کرده است.

**۶-۱-۵- بطلان معامله صوری ( وانمود شده )**

به موجب ماده ی ۲۱۸ قانون مدنی: «هرگاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است». تعارض صورت با قصد به معنی عدم رعایت حسن نیت بدهکار است که منجر به صور چنین حکمی توسط قانونگذار شده است. به این معنا که در معامله صوری طرف معامله قصد معامله ندارد و صرفاً به صورت ظاهری اظهار به انعقاد عقد کرده و با این امر خواسته تا طلبکاران را فریب دهد تا از پرداخت دیون خود فرار کند. در واقع عقد (وانمود شده) در رابطه ی دو طرف باطل است، چرا که سرپوشی است دروغین برای آنچه به واقع رخ داده است و هیچ اثری به بار نمی آورد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۰۱).

**۶-۱-۶- تاخیر در اجازه و رد**

به موجب ماده ی ۲۵۲ قانون مدنی «لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تاخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد، مشارالیه می تواند معامله را به هم بزند». در واقع تاخیر در اعلام اجازه یا رد در صورتی که منجر به ضرر طرف اصیل شود، به معنای عدم رعایت حسن نیت است.

**۶-۱-۷- الحاق طفل به مشتبه**

به موجب ماده ی ۱۱۶۵ قانون مدنی «طفل متولد از نزدیکی به شبه فقط ملحق به طرفی می شود که در اشتباه بوده و در صورتی که هر دو اشتباه بوده اند، ملحق به هر دو خواهد بود». در واقع، حسن نیت فردی که اشتباه کرده، منجر به صدور همچین حکمی توسط قانونگذار شده است.



### ۶-۱-۸-نسب طفل ناشی از نکاح باطل

به موجب ماده ی ۱۱۶۶ قانون مدنی «هرگاه به واسطه ی وجود مانعی نکاح بین ابوبین طفل باطل باشد، نسبت به هر یک از ابوبین که جاهل به وجود مانع بوده مشروع و دیگری نامشروع خواهد بود، در صورت جهل هر دو، طفل نسبت به هر دو مشروع است». جهل طرفین مبنای مشروعیت در این ماده قرار گرفته است. چرا که حسن نیت اقتضای آن را می کند.

### ۶-۱-۹-معامله ی تاجر ورشکسته بعد از تصدیق قرارداد ارفاقی

به موجب ماده ی ۵۰۰ قانون تجارت «معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود، مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد». مقصود از قصد اضرار قصد فرار از دین است که مبنای ابطال معامله و وسیله ی جبران ضرر طلبکار است (قاسم زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۲). به موجب این ماده، معامله ای که مدیون حيله گر برای فرار از دین انجام داده است، به دلیل عدم رعایت حسن نیت محکوم به بطلان است.

### ۶-۱-۱۰-معامله برای فرار از دین

براساس ماده ماده ی چهار قانون نحوه ی اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۷۴ مقرر معامله به قصد فرار از دین که با چند شرط در برابر طلبکار غیرقابل استناد معرفی شده است. این شرایط عبارتند از: ۱- بدهکار مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقیمانده ی اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد. ۲- دین به سند لازم اجرا یا حکم دادگاه مستند باشد. ۳- طرف دیگر معامله به قصد فرار از دین بدهکار آگاه باشد. ۴- قصد اضرار بدهکار به بستانکار اثبات شود (قاسم زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۱). واضح است که دو شرط آخر این شرایط به معنی سوء نیت بدهکار وانتقال گیرنده است که منجر به غیرقابل استناد شدن قرارداد می شود.

### ۶-۱-۱۱-فقدان حسن نیت طلبکار

بر اساس ماده ی ۴۰ قانون دریایی «مقررات مذکور در این فصل در مورد کشتیهایی که توسط شخصی غیر از مالک اداره و بهره برداری شده و یا به وسیله ی مستاجر اصلی، مورد بهره برداری قرار بگیرد، لازم الاجرا است به استثنای مواردی که...یا طلبکار حسن نیت نداشته باشد». براساس این ماده، حقوقی که قانون گذار برای طلبکار در نظر گرفته است با قلمداد شدن او به عنوان یک طلبکار بدون حسن نیت، از او سلب می گردد.



## ۷- نقش حسن نیت در انعقاد قرارداد در اصول قراردادهای تجاری بین المللی

در این سند بین المللی موادی وجود دارند که به لزوم رعایت حسن نیت در این مرحله تاکید می نمایند، که ذیلا به برخی از آنها اشاره می گردد.

### ۷-۱- تهدید

به موجب ماده ۳-۹ این اصول «هر طرف می تواند قرارداد را فسخ کند، در صورتی که بر اثر تهدید غیر موجه طرف دیگر که با توجه به اوضاع و احوال، آنچنان قریب الوقوع و جدی بوده و برای طرف نخست، چاره معقولی باقی نگذاشته، وارد قرارداد شده باشد». عدم رعایت حسن نیت در طرف تهدید کننده، امری مشهود است. چرا که فردی که مورد تهدید واقع شده، قادر نیست خواسته خویش را به انعقاد یا عدم انعقاد قرارداد بیان کند. در واقع وضعیتی به وجود می آید که طرف مقابل از آن آگاه است و درصدد سوء استفاده از این وضعیت می باشد. به همین جهت اصول قراردادهای تجاری بین المللی به فردی که به دلیل تهدید قریب الوقوع، و مؤثر بر علیه شخص یا اموال یا و منافع کاملاً اقتصادی او وارد معامله شده باشد، حق فسخ اعطا کرده است.

### ۷-۲- حق فسخ یا تعدیل ناشی از امتیاز زائد و ناموجه برای یکی از طرفین

ماده ۳-۱۰ این اصول مقرر داشته است: «هر یک از طرفین می تواند، قرارداد یا یک شرط علیحده ی آن را فسخ کند، در صورتی که در زمان انعقاد قرارداد، قرارداد یا شرط امتیازی زایدی را به نحو غیر عادلانه، نصیب طرف دیگر بکند». بر اساس این بند، چنانچه اختلاف فاحشی بین تعهدات طرفین وجود داشته باشد و یک طرف امتیاز زائد و غیر موجه بر اساس اوضاع و احوال حاکم در زمان انعقاد قرارداد بدست آورد، منجر به غیر عادلانه شدن قرارداد می گردد و طرف دیگر حق فسخ دارد. البته لازم به ذکر است که برای بوجود آمدن این حق شرایطی وجود دارد. اولاً این که به موجب بند الف ماده مذکور، یک طرف باید از وابستگی نخست و فشار اقتصادی یا نیازهای فوری او یا از عدم درایت، جهل، بی تجربگی یا عدم مهارت او در انجام معامله معقول، امتیاز غیر منصفانه تحصیل کرده باشد. ثانیاً به موجب بند ب ماده ۳-۱۰ باید به ماهیت و هدف قرارداد نیز توجه شود. شایان ذکر است که به موجب بند دوم قسمت ب ماده مذکور، دادگاه می توان با درخواست طرفی که حق فسخ دارد، قرار داد یا شرط را به منظور متعادل ساختن آن با معیارهای بازرگانی معقول منصفانه، تعدیل نماید. بنابراین دادگاه ها باید هنگامی که یکی از طرفین قرارداد حقی تبعیض آمیز و برتر در مقایسه با طرف مقابل بر اساس یکی از شروط قرارداد دارد، شخص را ملزم به رعایت حسن نیت نمایند (Farnsworth, 1999: 137).

### ۷-۳- انصراف و رجوع از ایجاب

بند دوم ماده ۲-۳ این اصول مقرر کرده است: «ایجاب حتی در صورتی که به نحو غیر قابل رجوع باشد، قابل انصراف است، مشروط بر این که اعلام انصراف پیش از وصول ایجاب یا همزمان با آن به اطلاع مخاطب ایجاب برسد». بر اساس این ماده موجب حق دارد که تا قبل از قبولی، تصمیم خود را عوض کند، به این معنا که، قراردادی منعقد نکند و یا ایجاب جدیدی را مطرح سازد. لیکن حسن نیت در انعقاد قرارداد



اقتضا می کند که قصد جدید خویش را پیش از وصول ایجاب یا همزمان با وصول ایجاب قبلی به اطلاع مخاطب برساند. ماده ۲-۴ یونی دوغا مقرر کرده است که: «مادام که قرارداد منعقد نشده است، ایجاب، قابل رجوع می باشد. به شرطی که رجوع پیش از آن که مخاطب ایجاب، قبولی خود را ارسال دارد، به وی واصل گردد». لزوم رعایت حسن نیت قراردادهای منجر به وضع چنین ماده ای گردیده است. چرا که قید مقرر در این ماده منجر به حفظ منافع مشروع مخاطب می گردد.

## ۷-۴- اعلام قبولی

مواد ۲-۷ و ۲-۹ یونی دوغا قبول معامله را در صورتی نافذ می داند که ظرف مدتی که تعیین شده و یا در صورت عدم تعیین ظرف یک مدت متعارف به وی اعلام گردد. ولیکن چنانچه، موجب، نافذ بودن توأم با تأخیر را به اطلاع مخاطب ایجاب برساند، قبولی با تأخیر نیز نافذ می باشد. همچنین اگر قبولی با تأخیر به دست موجب برسد و حاکی از آن باشد که ارسال در چنان اوضاع و احوالی صورت گرفته، که اگر جریان انتقال به طور طبیعی انجام می گرفت، در موعد مقرر به موجب می رسید، قبولی نافذ می باشد، مگر این که موجب فوراً به اطلاع مخاطب برساند که وی ایجاب خود را خاتمه یافته تلقی کرده است. بنابراین حسن نیت اقتضا می کند که، در صورت بروز فرض اخیر الذکر، مخاطب ایجاب را سزاوار حمایت تلقی کرده و قبولی با تأخیر او را نافذ قلمداد نماییم، مگر اینکه ایجاب کننده، به تأخیر نامعقول، اعتراض نماید.

## ۸- نقش حسن نیت در اجرای قرار داد

حسن نیت در اجرای تعهد قراردادی بر صداقت در اجرای هدف مورد توافق و برآوردن انتظارات متعارف و موجه قرارداد، مبتنی است. (Brownsword, 1999:5)

## ۸-۱- نقش حسن نیت در اجرای قرار داد در حقوق ایران

در این خصوص موادی وجود دارد که رعایت حسن نیت را در مرحله اجرا موجه می سازد. در ذیل به ذکر مصادیقی از آن می پردازیم.

## ۸-۲- ممتنع شدن شرط پس از عقد

ماده ی ۲۴۰ قانون مدنی اعلام می دارد «اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت، مگر این که امتناع مستند به فعل مشروط له باشد». این ماده را می توان به عنوان نمونه ایی از لزوم رعایت حسن نیت در اجرای تعهدات قرارداد دانست.





## ۸-۳- انجام تعهد کلی

اگر موضوع عین معین باشد، تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد لازم است، اگر چه کسر و نقصان داشته باشد. اما اگر موضوع تعهد کلی باشد، ماده ی ۲۷۹ قانون مدنی مقرر داشته است: «متعهد مجبور نیست، که فرد اعلای آن ایفا کند، لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب می شود را نمی توان بدهد». بنابراین متعهد به مانند یک فرد با حسن نیت که در مقام وفای به عهد بدون قصد تقلب تعهد خود را ایفا می کند، باید عمل نماید. این ماده توجیهی در جهت پذیرش حسن نیت می باشد

## ۸-۴- تلف بیع قبل از قبض

ماده ی ۳۸۷ قانون مدنی که تلف مبیع بیش از قبض را از مال بایع می داند و او را ناگزیر به رد ثمن به خریدار می کند، مبتنی بر عدالت معاوضی و رعایت حسن نیت در اجرای قرار داد است که منسوب به اراده ی باطنی طرفین و طبیعت معاوضه است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۵).

## ۸-۵- تعارض اعمال حق موجر و مستاجر

به موجب ماده ی ۴۸۴ قانون مدنی: « موجر نمی تواند در مدت اجاره در عین مستاجر تغییری دهد که منافی مقصود مستاجر از مال اجاره باشد». ماده ی ۴۸۵ همین قانون مقرر کرده است: « اگر در مدت اجاره در عین مستاجر تعمیراتی لازم آید که تاخیر در آن موجب ضرر موجر باشد، مستاجر، نمی تواند مانع تعمیرات مزبوره گردد...». این مواد با تبیین تعارض بین اعمال حق موجر و مستاجر دلالت دارد که اعمال حق باید به گونه ای باشد که موجب زیان ناروا به طرف دیگر نشود و این حکم، مطابق با اصل عدم زیان ناروا و سوء استفاده از حق است و مبنایی برای حسن نیت و رفتار منصفانه است (علیزاده، بی تا: ۱۲۴).

## ۸-۶- شرط نفوذ عزل وکیل

به موجب ماده ی ۶۸۰ قانون مدنی: « تمام اموری که وکیل قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید، نسبت به موکل نافذ است». بنابر این پیش از آگاه شدن وکیل از عزل خود، اعمال حقوقی که او برای موکل انجام می دهد، نافذ است. مبنای این حکم هم جلوگیری از ورود ضرر به وکیل و طرف قرارداد اوست. باید اضافه کرد که رعایت ماده ی ۶۸۰ قانون مدنی منوط به این است که طرف قرارداد از عزل آگاه نباشد و با حسن نیت معامله کند وگرنه ضرر او در نتیجه ی عدم عزل منتفی است و چنین معامله ای را نمی توان درباره ی موکل نافذ دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۰۰).



## ۸-۷- عدم امکان نکول بعد از قبولی

قبل از قبول برات به وسیله ی براتگیر، هیچ تعهدی به عهده ی او نمی باشد. ولی به وسیله ی قبولی تعهدی به عهده او و به نفع دارنده تحمیل می شود که جز حقوق دارنده می شود و مسلم است که هیچ کس حق ندارد، حق دیگری را بدون رضای صاحب حق از بین ببرد (دمرچیلی، حاتمی و قرائی، ۱۳۹۰: ۵۰۰). وضع قانونگذار مبنی بر عدم امکان نکول بعد از قبولی در ماده ی ۲۳۱ قانون تجارت حاکی از لزوم رعایت حسن نیت می باشد.

## ۸-۸- مسئولیت تضامنی مسولین برات

به موجب ماده ی ۲۴۹ قانون تجارت: «برات دهنده کسی که برات را قبول کرده و ظهرونیس ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند». مسئولیت تضامنی اسناد تجاری به این معنا است که دارنده سند می تواند برای وصول وجه سند به هر کدام از مسئولین مراجعه کند. برخی معتقد هستند که از این اصل می توان لزوم حسن نیت را برداشت کرد (باریکلو و خزایی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

## ۸-۹- اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات

گاه حسن نیت نقش پایه برای دیگری قواعد را ایفا می کند. مبنای اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در مقابل دارنده ی غیرمستقیم سند تجاری (کسی که مستقیماً سند را از متعهد نگرفته)، حسن نیت می باشد. یعنی حسن نیت دارنده سند ایجاب می کند که نتوان در مقابل او ایراد مربوط به خالی بودن وجه سند، نامشروع بودن معامله پایه و... را مطرح نمود (حاجی پور، ۱۳۹۱: ۹۵).

## ۸-۱۰- حق رجوع بایع

به موجب ماده ی ۲۳۵ قانون مدنی: «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می تواند برای مطالبه ی خسارات به بایع رجوع کند، اگر چه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند، بایع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت». حسن نیت در این ماده به این صورت اثر خود را هویدا می کند که جهل مشتری امکان رجوع او به بایع برای دریافت خسارت وارده و ثمن است.

## ۸-۱۱- خیارات

در خیارات غبن، عیب، ربو، تبعض صفقه اصل حسن نیت اثر خود را به این شکل بیان می کند، که شخص زیان دیده تنها در صورت جهل به واقع، حق استفاده از مزایای قانونی را دارد. در فقه هم ارائه نظریه هایی، مانند منسوب ساختن خیارات غبن و عیب به شرط ضمنی یا بنایی درباره ی لزوم معادله ی نسبی در عوض و سلامت مبیع در واقع چهره ی ویژه ای از رعایت حسن نیت است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۵۵). به این نحو



که طرفین در بین خود مقرر کرده اند که مبیع عاری از هر گونه عیب و به قیمت عادلانه باشد. عدم رعایت این مقررره توسط طرفین به معنی عدم رعایت حسن نیت و متعاقبا ایجاد حق فسخ برای طرف مقابل در صورت جهل به واقع است. به موجب ماده ی ۳۸۰ قانون مدنی: «در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد، بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد، می تواند از تسلیم آن امتناع کند». این ماده نیز نمونه ی دیگری از شناسایی حسن نیت در اجرای قراردادهاست، زیرا بعد از انعقاد بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می گردد و تعهد به تسلیم از فوریت تملیک نمی کاهد. ماده ی ۳۸۰ قانون مدنی با اتکا به حسن نیت و مهمتر از آن سرعت در تجارت و انصاف مبادرت به وضع چنین حکمی کرده است. در موردی که خریدار و فروشنده از اجرای تعهد خود سرباز می زنند، فروشنده در وضع خطرناکی قرار می گیرد که ادامه آن عادلانه به نظر نمی رسد. زیرا از یک طرف خریدار مالک منافع مبیع است و در صورت تلف از پرداخت ثمن معاف می شود و از طرف دیگر ضمان معاوضی برعهده فروشنده باقی مانده و او با تلف مبیع نه تنها مال خود را از دست می دهد و نمی تواند عوض دریافت کند، باید نمآت مبیع را نیز به خریدار بدهد. در این جا انصاف حکم می کند که فروشنده بتواند با برهم زدن بیع این وضع خاتمه می دهد .

## ۹- نقش حسن نیت در اجرای قرارداد در اصول قراردادهای تجاری بین المللی

در این مرحله ی قراردادی نیز این اصول حاوی موادی است که به لزوم رعایت حسن نیت تاکید می ورزند.

### ۹-۱- شرط اصلاحی کتبی

به موجب ماده ی ۱۸-۲ اصول یونی دوغا: «قرارداد کتبی را که متضمن شرط اصلاح یا اقاله به نحو کتبی است، نمی توان به نحو دیگری اصلاح یا اقاله نمود. معهدا امکان دارد، هر یک از طرفین به علت رفتار خود از استناد به این شرط، تا حدودی که طرف دیگر به چنان رفتاری اعتماد نموده است، منع شود». براساس این مقررره با وجود اینکه طرفین، در قرارداد شرط اصلاح یا اقاله به نحو کتبی را گنجانده اند، ممکن است یک طرف به علت رفتار خود از استناد به شرط اصلاح کتبی تا حدودی که طرف دیگر به آن رفتار اعتماد نموده است، منع شود. به طور مثال الف که عضو هیأت مدیره ی یک مدرسه است، قراردادی جهت احداث ساختمان جدید با قید این شرط که طبقه دوم ساختمان باید از مقاومت کافی برای تأمین کتابخانه ی مدرسه داشته باشد با ب به عنوان پیمانکاری ببندد. طرفین بعد از انعقاد قرارداد شفاها توافق می نمایند که طبقه دوم ساختمان، نیازی به مقاومت موضوع ندارد. چنان چه بعد از احداث ساختمان الف به نحوه ی ساخت طبقه دوم اعتراض نماید، دادگاه می تواند حکم دهد که او حق استناد به شرط اصلاحی را ندارد. چرا که در این صورت او به دلیل اعتماد معقول ب به توافق شفاهی، فاقد حسن نیت تلقی می گردد. در واقع نتیجه الزام آوری که از اصل حسن نیت از رفتارهای شخصی و اعتماد کردن نسبت به آن ناشی می شود، این است که هیچکس نباید از رفتار یا وضعیتهایی که بر اساس رفتار شخصی وی قطعی شده است، سوءاستفاده نماید و کسی را فریب دهد» (علیزاده، ۱۳۶۴: ۲۲۱).



## ۹-۲- ارائه شرط از قلم

ماده ۴-۸ یونی دوغا مقرر کرده است: «هرگاه طرفین قرارداد در رابطه با شرطی که در مقام احراز حقوق و تکالیفشان اهمیت دارد، توافق نکرده باشند، شرطی که اوضاع و احوال اقتضا کند، ارائه و منظور خواهد شد. در مقام احراز این که چه شرطی، مقتضی است از جمله باید به عوامل زیر توجه شود: الف) قصد طرفین، ب) ماهیت و هدف قرارداد، ج) حسن نیت و معامله منصفانه، د) معقولیت». شرایط از قلم افتاده یا مسکوت هنگامی پدیدار می شوند که پس از انعقاد قرارداد، مشکل پیش می آید و طرفین در قرارداد به هیچ روی، راه حلی را ارائه نکرده اند، به این علت که یا ترجیح داده اند به آن نپردازند و یا آن را پیش بینی نمی کرده اند. ماده مطروحه یکی از معیارهایی را که جهت ارائه شرایط از قلم افتاده لازم دانسته است، در نظر گرفتن حسن نیت می باشد. برای مثال قرارداد نمایندگی پخش مقرر می نماید که نباید تا یک سال پس از انقضای قرارداد، به تجارت مشابه بپردازد. هر چند این قرارداد در مورد قلمرو ارضی این منع، ساکت است. اما اقتضا دارد که ماهیت و هدف خاص نمایندگی و اصول حسن نیت و معامله منصفانه منع، محدود به قلمرو می شود که نماینده در آن از حق نمایندگی، استفاده کرده است (همان: ۱۱)

## ۹-۳- نسبت توجه ضرر به زیان دیده

ماده ۷-۴-۷ یونی دوغا مقرر کرده است: «هرگاه ضرر، جزئاً ناشی از فعل یا ترک فعل طرف زیان دیده یا حادثه دیگری است که همان طرف، ضامن آن است، میزان خسارت تا حدی که این عوامل با توجه به رفتار طرفین، در ورود ضرر نقش داشته اند، کاهش می یابد». ماده حاضر، حق مطالبه خسارت را تا میزانی که زیان دیده در ورود ضرر نقش داشته است و می توانسته از آن جلوگیری کند، محدود می نماید. بدین معنا که زیان دیده نباید از ترک فعل خویش سود ببرد. چرا که جبران خسارت کامل، به سود طرفی که خود جزئاً مسئول ورود خسارت است، امری ناعادلانه و خلاف حسن نیت می باشد.

## ۹-۴- نقض اساسی قرارداد

بر اساس بند الف ماده ۷-۳-۱ این اصول، عدم ایفای تعهد در صورتی اساسی محسوب می گردد، که ماهیتاً طرف زیان دیده را از آنچه استحقاق انتظار آن را به موجب قرارداد داشته، محروم می کند. در چنین مواردی که متعهد قرارداد را به صورتی اساسی نقض می نماید، قطعاً به دیگری خسارت وارد می شود و باید او را مسئول این خسارت دانست. با وجود این ماده قسمت اخیر بند الف ماده اخیرالذکر مقرر کرده است: «مگر این که طرف دیگر چنین نتیجه ای را پیش بینی نمی کرده یا عرفاً نمی توانسته است پیش بینی نماید». وضع این قسمت از ماده حاکی از لزوم رعایت حسن نیت در اجرای قراردادهاست. بر حسب ماده ۷-۳-۲ یونی دوغا، حق فسخ باید بوسیله ی اخطار به طرف دیگر اعمال شود. بنابراین شخصی که به علت نقض اساسی قرارداد در صدد فسخ آن است، باید قصد خود را طی یادداشتی به طرف دیگر اعلام نماید. این مقرر طرفین را از اعلام بدخواهانه فسخ باز می دارد. زیرا لزوم اعلان فسخ به دیگری امکان می دهد تا نسبت به تحقق نقض اساسی یا عدم آن طرح دعوا نماید. اخطار مزبور همچنین موجب تقلیل خسارت می گردد که خود یکی از اهداف حسن نیت می باشد.



## ۹-۵-همیاری طرفین

ماده ۳-۵ یونی دوغ، اطرفین قراردادی را ملزم به همیاری کرده است. چرا که قرارداد صرفاً نقطه تلاقی متعارض نیست، بلکه تا حد معینی نیز حسن نیت اقتضا می نماید، قرارداد به عنوان یک پروژه مشترک تلقی شود که هر یک از طرفین در آن همیاری می کند.

## ۹-۶-کاستن ضرر

ماده ۸-۴-۷ این اصول مقرر کرده است: «متخلف از ایفای تعهد، ضامن ورود خساراتی که از عدم اقدام معقول طرف زیان دیده در جهت کاستن خسارت ناشی شده نمی باشد». این ماده بر آن است تا زیان دیده را وادار نماید تا در برابر ضرری که می توانسته است آن را کاهش دهد، بی تفاوت و منتظر جبران خسارت نباشد. چرا که حسن نیت اقتضا می کند که زیان دیده، تلاش خود را جهت ورود ضرر بیشتر انجام دهد.

## ۹-۷-تعهدات ضمنی

ماده ۲-۵ یونی دوغاً بیان کرده است که تعهدات ضمنی از موارد زیر ناشی می شوند: الف) ماهیت و هدف قرارداد، ب) رویه معمول بین طرفین، ج) حسن نیت و معادله منصفانه، د) معقولیت. بنابراین ماده جهت تعیین تعهدات ضمنی قراردادها باید اصول حسن نیت را مورد توجه قرار داد.

## ۹-۸-جبران وسیله متخلف از ایفای تعهد

بر اساس ماده ۴-۱-۷ این اصول «طرفی که تعهد خویش را ایفا نمی کند، می تواند به هزینه خود هر نوع عدم ایفا را جبران کند». براساس این ماده چنانچه شرایط معینی، ایجاد شود، متخلف از ایفای تعهد می تواند اقدام جبرانی را از طریق ایفای تعهدش عملی سازد و در واقع با رعایت شرایط مذکور، طرفی که تعهدش را انجام نداده است، می تواند زمان اجرای تعهد را برای مدتی کوتاه البته بیش از مدت شرط شده در قرارداد، تمدید بنماید، مگر این که بر طبق توافق طرفین یا با توجه به اوضاع و احوال، اجرای به موقع مقتضی باشد. بدین ترتیب در ماده فوق از حفظ اعتبار قرارداد حمایت شده است و این ماده اصل بنیادی حسن نیت را منعکس می نماید (اخلاقی و امام، ۱۳۷۹: ۲۲۳). شایان ذکر است که در جهت عدم سوءاستفاده ی متعهد از این ماده براساس بند ۵ این ماده، حق مطالبه خسارت اعم از خسارت تأخیر یا صدمات ناشی از اقدام جبرانی یا صدماتی که طریق جبران مانع از آن نشده برای زیان دیده محفوظ خواهد بود.



## ۱۰- نقش حسن نیت در تفسیر قرارداد

قراردادها باید با این فرض که طرفین در اعلام اراده ی خود از حسن نیت برخوردارند، مورد تفسیر واقع شوند. به بیان دیگر حسن نیت در تفسیر قراردادها به این معنی است که محکمه هر قراردادی را با فرض حسن نیت طرفین قرارداد تفسیر نموده و از نکات رفع ابهام نماید. با این تلقی از حسن نیت آن را می توان از ابزار ووسایلی دانست که به دادرس کمک می کند تا صورالزامات طرفین و آثار قراردادی را مشخص نماید.

### ۱۰-۱- روش های تفسیر قرارداد

به طور کلی درعالم حقوق و تفسیر قرارداد، دو شیوه پیشنهاد شده است. حاکمیت اراده باطنی و اتکا به اعلام های انجام شده و یا عرف و رسوم تجاری و حسن نیت. اول: حاکمیت اراده باطنی، بر مبنای این روش، دادرس باید در مقام جستجوی اراده باطنی طرفین قرارداد باشد و مفاد آنرا بر معنای ادبی و عرفی قرارداد ترجیح دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۲). نتیجه مهم این تحقیق چنین خواهد شد که هرگاه طرفین برای اثبات موضوع خود به دلایل خارجی مانند شهادت شهود استناد کنند، باید آن دلایل استماع شود. همین که دادگاه به مقصود و مراد طرفین دست یافت آن را محترم شمارد، هرچند که مخالف ظاهر قرارداد باشد. دوم: اتکا به اعلام های انجام شده و یا عرف و رسوم تجاری و حسن نیت، طبق این روش هرچند هدف اصلی یعنی اراده واقعی و قصد مشترک، رها نمی شود، اما به اراده ی باطنی تمایل کمتری نشان داده می شود و مفسرین با تکیه به اعلام های موجود در قرارداد و یاری عرف و رسوم تجاری و قواعد مربوط به حسن نیت، در صدد استخراج قاعده قراردادی هستند. دادگاه باید مفاد قرارداد را مورد توجه قرار دهد و به معنایی تکیه کند که عرف یا ضرورت وجود حسن نیت در قرارداد ایجاب می کند.

### ۱۰-۲- نقش حسن نیت در تفسیر قرارداد در حقوق ایران

مبنای تشکیل هر قرارداد اراده ی طرفین و به عبارت دیگر، قصد و اراده ی انشایی آن هاست و عامل اصلی تعیین کننده آثار حقوقی هر قرارداد نیز نتیجتاً قصد مشترک طرفین است. در حقوق ایران از میان دو نظریه حاکمیت اراده باطنی و ظاهری، دیدگاه نخست ارجح به نظر می رسد و در تفسیر قرارداد تنها به مفاد قرارداد و ظاهر عبارات اکتفا نمی شود. دادگاه به دلایل خارج از قرارداد، نظیر شهادت یا سوابق مربوط به تنظیم قرارداد و کارهای مقدماتی مربوط به آن نیز ترتیب اثر می دهد و در صورتی که اراده ی ظاهری و مفاد ظاهری قرارداد را مغایر اراده ی باطنی طرفین تشخیص دهد، به آن ترتیب اثر نداده و قصد باطنی را ملاک عمل قرار می دهد. هرگاه دادرس با قراردادی مبهم روبرو شود، باید روح حاکم بر توافق را به دست بیاورد، این روح حاکم که به قصد مشترک طرفین تعبیر می شود، برکل قرارداد، حکومت دارد. برای کشف قصد مشترک باید به وسایلی متوسل گردید که در حقوق ایران برشمرده شده است، که از آن جمله آنها، کلمات و قرائن، مقررات قانونی، اصول عملیه و عرف می باشد. در مورد وسیله ی نخست باید گفت که نخستین وسیله اعلام اراده که در عین حال کاشف از اراده طرفین قرارداد است، شایعترین وسیله ابزار اراده طرفین قرارداد به شمار می رود. قرائن نیز اوضاع و احوالی است که می تواند به کشف مقصود طرفین قرارداد کمک نماید. منظور از مقررات، قوانین تکمیلی است که برای تکمیل ناشی از سکوت متعاقدين وضع گردیده است. اصول عملیه نیز در مواقعی به کار می رود که دادرس و با ابهام و سرگردانی مواجه شود. چون اصول عملیه کاشف از واقعیت نبوده است و صرفاً ابزاری برای رفع تحیر است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۳۰۱-۲۸۸). آخرین وسیله تفسیر قرارداد عرف است. عرف، انس ذهن جامعه یا گروه خاص به امری است که مربوط به روابط حقوقی است. اساساً اعتبار عرف ناشی از دلالت آن به طور غیرمستقیم بر قصد و اراده اشخاصی است، که عقد را انشاء کرده



اند. در قانون مدنی ایران در حکمی در مورد رعایت حسن نیت در تفسیر قرارداد وجود ندارد. با این حال برخی نویسندگان در جهت اعطای اعتبار به اصل حسن نیت متمسک به پاره ای از دلایل شده اند که دو مورد را در ذیل می آوریم: برخی معتقدند معرفت، به پشتوانه وجود ریشه های اخلاقی و عقلی در اصل حسن نیت و به اعتبار اثراتی که بر روابط حقوقی و منافع اشخاص می گذارد، حسن نیت را جزو قواعد حقوقی لازم الرعایه درآورده و رعایت آن را برهمگان لازم دانسته است. گفته شده، با عنایت به این که اجرای یک قرارداد مستلزم تفسیر آن است، بنابراین قرارداد باید در کمال حسن نیت تفسیر شود تا اجرای قرارداد و وفای به آن به نحو مطلوبی محقق گردد و در صورت عدم رعایت حسن نیت در تفسیر نمی توان مطمئن شد آن چه به اجرا در می آید، منظور قرارداد است (قشایی، ۱۳۷۸: ۱۹۸). اینان در آخر نتیجه گرفته اند که با توجه به این که فرهنگ بومی جامعه ی ما به گونه ای است که برای امور اخلاقی در روابط حقوقی خود ارزش بسیار زیادی قائل می شوند و کسی را که از حدود آن امر اخلاقی تجاوز کند، سرزنش می کنند و در نتیجه اصل حسن نیت تا آن مقدار که تحت پوشش چنین عرفی قرار گیرد و به استناد مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ قانون مدنی در تفسیر لازم الرعایه می باشد (قشایی، ۱۳۷۸: ۱۹۸). این دسته از حقوقدانان همچنین به ماده ۲۲۳ قانون مدنی در خصوص اصل صحت استناد کرده و دلالت ضمنی این ماده را در راستای توجیه اعتبار اصل حسن نیت در تفسیر و قراردادها به کار گرفته اند. برخی از استادان در خصوص حسن نیت در تفسیر قرارداد بر این باورند که در حقوق ایران دادرسی نمی تواند مستقیماً به اصل حسن نیت در اجرای قرارداد استناد کند. اصل راهنمای وی در این زمینه اجرای قصد مشترک دو طرف است و هرگاه نتواند بدان دست یابد، متوسل به قانون و عرف و عادت می شود. ایشان سپس با ادعان به جایگاه واقعی حسن نیت، قضاوت را به این طریق رهنمون می کنند که رفتار یک شخص با حسن نیت را تحت عنوان شروط ضمنی و شروط بنایی در عقد اجرا اجرای حقوقی است. کنند و بدین ترتیب از اتهام تحریف قرارداد نیز به دور مانند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۵). گفته شده که دادرسی با ملاحظه ی قرارداد، این شرط ضمنی را در نظر می گیرد که طرفین در هنگام انعقاد قرارداد به طور تلویحی قرار داده اند تا با حسن نیت اقدام نموده و بنابراین اگر شخصی برخلاف حسن نیت عمل نمود، مبادرت به زیر پا گذاشتن تعهد خویش نموده که مستوجب ضمانت اجرای حقوقی است. در رویه قضایی می توان آراییی یافت که اختلاف متعاقبین در تفسیر قرارداد، بر مبنای حسن نیت صادر شده است. به عنوان نمونه: خلاصه ی جریان دعوی از این قرار است، خانه ای فروخته می شود و فروشنده ضمن سند رسمی انتقال تعهد می کند که ظرف مدت یک ماه برق خانه را وصل نماید، وجه التزام تخلف از این تعهد چندان گزاف است که به تقریب معادل بهای خانه است. متعهد در خواست امتیاز بهره برداری از نیروی برق را به هنگام می کند و ودیعه لازم را می سپارد، لیکن روشنایی دیرتر از موعد داده می شود. خریدار از دادگاه تقاضای صدور حکم به پرداخت وجه التزام را می کند. دادگاه پس از ملاحظه ی مدارک دو طرف چنین رای می دهد. « نظر به این که ، تبصره ذیل سند رسمی شماره ۳۲۲۷ دفتر شماره ۵۲ طهران، چنان که از عبارت سند مزبور عرفاً مستند می شود، حاوی شرط فعلی است که طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی خواننده متعهد شده است اقدامات لازم را برای روشنایی برق مورد معامله ظرف مدت یک ماه معمول دارد، نظر به این که به موجب نامه شماره ۳۸۲۵۴۴۸۴-۱۳۳۵/۱/۲۳ متعهد در تاریخ ۱۳۳۴/۸/۷ یعنی ظرف و تاخیر در روشنایی را نمی توان ناشی از مسامحه و تخلف خواننده دانست، چنانکه مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ نیز مناط موید این مطلب می باشد، لذا خواهان در مطالبه وجه التزام خواسته شده محکوم به بی حقی می گردد و ملزم است که مبلغ دو هزار ریال بابت حق الوکاله به خواننده بپردازد». از آن جایی که با توجه به مفاد رای موضوع تعهد انجام اقدامات لازم برای نیل به هدف می باشد و عرف و معیاری برای احراز حسن نیت شخص به شمار می رود و متعهد تلاش عرفی را برای تحقق موضوع تعهد انجام داده است، لذا مرتکب تقصیری نشده است تا حکم علیه وی صادر شود. حقوق موضوعه ایران در تفسیر قراردادها عاملی تحت عنوان حسن نیت را به رسمیت نشناخته و به همین دلیل است که نویسندگان حقوقی در راستای لزوم تبعیت از آن، متوسل به طرف دیگری شده اند.



### ۱۰-۳- نقش حسن نیت در تفسیر قرارداد در اصول قراردادهای تجاری بین المللی

در یونی دوغا نیز همانند بسیاری از نظام های حقوقی، مفسر در وهله ی اول می بایست به مقصود و مراد طرفین رجوع نماید و اراده مشترک آن ها را مبنای حل اختلافات قرار می دهد. بند اول ماده ۴-۱ مقرر داشته است: «قرارداد، موافق قصد مشترک طرفین تفسیر خواهد شد». بند ۱ ماده ۴-۲ نیز مقرر داشته است: «اظهارات و سایر اعمال یک طرف در صورتی که طرف دیگر بر آن وقوف داشته یا باید واقف می بوده، مطابق قصد آن طرف، تفسیر خواهد شد». بند دوم ماده ۴-۱ نیز مقرر کرده است: «چنانچه چنین قصدی احراز نشود قرارداد موافق استنباط افراد متعارف همان سنخ در همان اوضاع و احوال، تفسیر خواهد شد». با توجه به مواد مطروحه، از نظر این سند بین المللی، هرگاه یکی از طرفین نسبت به مؤدای قصد طرف دیگر علم داشته باشد یا باید علم می داشته، الفاظ و سایر اعمال دیگر باید مطابق قصد وی تفسیر شود. در واقع بند یک ماده ی ۴-۱ ناظر به موردی است که روابط کافی بین طرفین وجود داشته و قصد یک طرف بر طرف دیگر معلوم باشد. بنابراین این بند نظر شخصی را پذیرفته و ماده ۴-۲ نیز آن را به علم طرف دیگر تعدیل ساخته است. بند دوم ماده ی ۴-۱ نظرنوعی را پذیرفته است و این معیار نیز باقید در همان صنف و اوضاع و احوال مشابه تعدیل شده است. چرا که این ملاک، معیار کلی و مجرد معقولیت نیست. بلکه ملاک، درکی است که به طور معقول می توان از افراد مثلا با همان دانش، زبان و... طرفین انتظار داشت. بنابراین از نظر اصول قراردادهای تجاری بین المللی، هرگاه به قصد واقعی طرفین نتوان دست یافت، به طور نوعی الفاظ و اعمال را بر متعارف باید بار کرد. ماده ی ۴-۳ این سند بین المللی نیز مقرر کرده درمقام تفسیر باید به گفتگوهای مقدماتی طرفین، رویه های معمول بین طرفین، اعمال طرفین، ماهیت و هدف قرارداد، مفهوم متعارف اصلاحات و عبارات در تجارب مربوطه و عرف و عادت توجه داشت. بنابراین در تفسیر قصد طرفین باید به این عوامل توجه داشت. به طور مثال چنانچه عملکرد طرفین طوری بوده که تهیه کننده کالا سفارش خرید را بدون قبول صریح اجرا می کرده، او باید در صورت عدم قبول سفارش، آن را اعلام نماید وگرنه قرارداد با توجه به رویه معمول بین طرفین منعقد شده تلقی می گردد و تهیه کننده ملزم به اجرای آن خواهد شد. لزوم رعایت حسن نیت در تفسیر قرارداد ها را می توان از ماده ۱-۷ این سند بین المللی دریافت. چرا که بر اساس این ماده هر یک از طرفین مکلف است در تجارت بین المللی، بر اساس حسن نیت و معامله منصفانه عمل کند و طرفین نمی توانند این تکلیف را مستثنی یا محدود کنند. با توجه به ماده ی مذکور مفسر، باید با فرض این که طرفین یک قرارداد حسن نیت داشته و با رفتاری منصفانه مبادرت به انعقاد قرار نموده اند، اقدام به تفسیر قرارداد نماید.

### ۱۰-۴- ضمانت اجرای حسن نیت در حقوق ایران و اصول قراردادهای تجاری بین المللی

حسن نیت ضمن این که به عنوان یک قاعده ی الزام آور تلقی می گردد، در ذیل به ذکر ضمانت اجرای عدم رعایت حسن نیت در مراحل مختلف قراردادی پرداخته می شود.

### ۱۱- ضمانت اجرای حسن نیت در مرحله ی مذاکرات مقدماتی

اصل براین است که اگر کسی در محدوده ی قانون عمل کند، مسئولیتی ندارد. پس اگر مذاکره کننده با حسن نیت و بدون سوء استفاده از مذاکرات قراردادی خارج شود، مسئولیتی ندارد. اما اعمال حق و قانون ممکن است به بی عدالتی فاحش بینجامد. بنابراین باوجود این که حق امتیازی است که قانون از آن حمایت می کند، نباید این امتیاز طوری اعمال کرد که منجر به سوء استفاده از حق شود. به نظر می رسد





چون در این دوره هیچ عقدی بین طرفین منعقد نمی شود، ضمانت اجرای فسخ یا بطلان موضوعیت ندارد و حکم به جبران خسارت متداول ترین ضمانت اجرای چنین تکلیفی محسوب می گردد. در خصوص مبنای این خسارت عده ایی معتقد هستند که طرفین با شروع مذاکراتشان وارد رابطه ی خاصی می شوند و با هم پیمان ضمنی می بندند که در روابط خود صادق و درستکار باشند و با هم در شرایط تعیین معامله و اوصاف موضوع آن همکاری کنند. پس بر مبنای این پیش قرارداد ضمنی، باید اطلاعات لازم درباره ی تمام اوضاع و احوال معامله را در اختیار یکدیگر گذارند و از هرگونه تدلیس و تقلب پرهیز نمایند. تجاوز از این تعهدات تقصیر قراردادی است و موجب مسولیت قراردادی می گردد. در مقابل گفته شده، پندار مربوط به پیش قراردادی که با آغاز گفتگوهای مقدماتی بین طرفین، بسته می شود، مبنای واقعی و خارجی ندارد. امری است که به خیال آنان نیز نمی رسد و فقط وسیله ی توجیه مسولیت قرار می گیرد. بنابراین هرگاه یکی از دو طرف بر طبق قواعد عمومی و در جریان گفتگوهای مقدماتی مرتکب تقصیر شود و از آن خسارتی به بار آید، مسول جبران خسارت آن از باب مسولیت مدنی می باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۸۰). گفته شده دکتین حقوق ایران نیز با وجود حذف ماده ی ۱۰۳۶ قانون مدنی که تحت شرایطی خسارت ناشی از برهم زدن نامزدی را قابل مطالبه می دانست، منافاتی بین امکان قطع رابطه ی پیش قراردادی بامسولیت ناشی از سوء استفاده از حق قائل نمی شود و شخص خاطی را بر مبنای تقصیر غیر قراردادی باید مسول تلقی نمود (انصاری، ۱۳۹۱: ۲۶۱). البته زیان دیده می تواند هزینه هایی را که در مذاکرات متحمل شده را مطالبه نماید و همچنین ممکن است، خسارت از دست رفتن فرصت انعقاد قرارداد با شخص ثالث (موسوم به اتکا یا منافع منفی) را مطالبه نماید. اما واضح است که منفعی را که از قرارداد اصلی در صورت انعقاد برای او حاصل می شده (موسوم به خسارت قابل انتظار یا منافع مثبت)، مطالبه نماید (نوری، ۱۳۸۷: ۵۶). نقض امر محرمانه یا افشای آن، موجب ضمان می باشد. میزان خسارت قابل جبران بسته به این که طرفین در مورد عدم افشای اطلاعات، توافق معینی نموده باشند یا خیر، متفاوت خواهد بود.

### ۱-۱۱- ضمانت اجرای حسن نیت در مرحله ی انعقاد

ضمانت اجرای عدم رعایت حسن نیت در این مرحله، می تواند بطلان یا فسخ قرارداد باشد یا منجر به مسولیت طرف خاطی به جبران خسارت گردد. ماده ی ۲۱۸ قانون مدنی معامله به قصد قرار از دین را که به صورت صوری منعقد شده باشد را باطل دانسته است. همچنین براساس ماده ی ۱۲ قانون بیمه در صورت تقلب بیمه گذار، عقد بیمه باطل خواهد بود. تاثیر عدم رعایت حسن نیت در بطلان قرارداد در قانون تجارت نیز بیان گردیده است. به این ترتیب که در صورت تقلب در میزان دارایی، دعوای بطلان قرارداد ارفاقی پذیرفته می شود. در مواردی که امکان فسخ یا بطلان قرارداد وجود ندارد، طرف زیان دیده مطالبه ی خسارت نماید.

### ۱-۱۲- ضمانت اجرای حسن نیت در مرحله ی اجرا

در مرحله ی اجرا نیز، چنانچه هر یک از طرفین، رفتار غیرصادقانه داشته باشند و به تعهدات خویش عمل ننمایند، حسن نیت را نقض کرده و حسب مورد این نقض منجر به ایجاد حق فسخ، مطالبه ی خسارت و یا اجبار به اجرای عین تعهد برای متعهدله می گردد. برای مثال چنانچه قرارداد توسط بایع نقض شود و در نتیجه ی نقض، خسارتی به مشتری وارد گردد و بین نقض و خسارت وارده رابطه سببیت وجود داشته باشد، مشتری متضرر می تواند جبران خسارت وارده را مطالبه نماید. میزان خسارت هم براساس خسارت مادی واقعی و از جمله عدم النفعی محاسبه می شود که در زمان انعقاد قرارداد به طور متعارف قابل پیش بینی بوده و در صورت نقض قرارداد، وارد خواهد شد. همین



طور در صورتی که مشتری از پرداخت ثمن خودداری کند، بایع می تواند تقاضای اجرای عین تعهد را بنماید یا پس از اعطای مهلت زمان اضافی و عدم پرداخت ثمن نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید.

### ۱۱-۳- ضمانت اجرای حسن نیت در مرحله ی تفسیر قرارداد

حسن نیت و ضمانت اجرای آن در این مرحله از این حیث مورد توجه قرار می گیرد که منجر به مداخله ی قاضی می شود. از اهداف حسن نیت این است، موجب افزایش اختیارات قاضی گردد تا بتواند به تکمیل یا اصلاح قرارداد بپردازد و به نوعی هم اصل ثبات و امنیت قراردادها حفظ شود و هم بحث تعادل قراردادی تحقق یابد. در واقع قاضی در هنگام تفسیر قرارداد باید با این تفکر که با یک قرارداد با حسن نیت سروکار دارد، آن را تفسیر نماید. در اعطای مهلت عادلانه که در حقوق ایران در (مواد ۲۲۷ و ۶۵۲ ق.م)، برای اجرای تعهدات قراردادی پذیرفته شده است، باید حسن نیت را یکی از شرایط اساسی جهت تعیین مهلت، توسط قاضی قلمداد نمود (انصاری، ۱۳۹۱: ۲۸۷). بنابراین نقض حسن نیت در مرحله ی تفسیر نیز اهمیت داشته و در برخی موارد قاضی با بررسی رعایت یا تخلف از آن به صدور رای بپردازد و بنابراین بی توجهی به این وضعیت می تواند از دلایل نقض رای تلقی گردد.

### ۱۲- نتیجه گیری

قانونگذار ایران اصلی کلی به عنوان لزوم رعایت حسن نیت در هر یک از مراحل قراردادی، شامل مذاکرات پیش قراردادی، انعقاد و اجرا و تفسیر قرارداد مقرر نکرده است و به همین خاطر نویسندگان حقوقی در راستای لزوم تبعیت از آن متوسل طرق دیگری شده اند. با این وجود، در مواد قوانین مختلف به طوری ضمنی به لزوم رعایت آن را اشاره کرده است و عدم رعایت آن را در هر مورد دارای ضمانت اجرا تلقی کرده است. به طور مثال با دقت در احکامی که در خصوص اکراه، اضطرار، معامله ی صوری، اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات در اسناد تجاری، اختیارات و ... بیان داشته است، می توان نتیجه گرفت، قانون گذار ایران حداقل به طور ضمنی موافق با اصل حسن نیت می باشد. حسن نیت دارای کارکرد های مختلفی می باشد. از جمله این که از آنجایی که معمولاً تمام جوانب موضوع قرارداد به این دلیل که طرفین یا عمداً نمی خواهند موضوع در مورد خاصی مشخص باشد و یا قادر به پیش بینی آن نیستند، روشن و مشخص نمی باشد، وجود ابزاری به نام حسن نیت، قاضی را قادر میسازد تا خلأهای قراردادی و قانونی قرارداد را تکمیل نماید. به نظر می رسد که بر قانونگذار است که با توجه به اهمیتی که حسن نیت در مراحل قراردادی دارد، آن را به یک قاعده کلی تبدیل کند تا شبهه ی موجود در این زمینه حل شود. اصل حسن نیت در ماده ی ۱-۷ اصول قراردادی تجاری بین المللی به عنوان یک قاعده ی کلی و فراگیر مورد پذیرش قرار گرفته است. در عین حال مواد مختلفی از این اصول نشان دهنده ی اهمیت زیاد این اصل می باشد. در واقع اصل حسن نیت در این اصول دارای مفهوم و کارکرد وسیعی است که قلمرو آن تمام مواد این اصول را در بر می گیرد. هدف این اصل اعمال استانداردهای مشترک در معاملات تجاری است. این اصل مکمل اصول قراردادهای تجاری بین المللی می باشد و زمانی که تبعیت مطلق از مقررات اصول قراردادهای تجاری بین المللی منتج به قواعد غیر منصفانه گردد، اعمال اصل حسن نیت بر سایر مقررات تقدم می یابد. شایان ذکر است که در این اصول، طرفین نمی توانند این اصل و آثار و نتایج آن را سلب یا محدود نمایند.



## References

1. Ebrahimi, .(2020) Comparative Study of the Concept and Effects of Good Faith in the Conclusion, Interpretation, and Performance of Contracts, International Law Journal, Center for International Legal Affairs of the Presidency, No. 41. **[In Persian]**
2. Eskini, R and Niazi Shahroki, R. (2007). The Concept of Good Faith and Fair Dealing, Gavah Quarterly Law Journal, No. 10. **[In Persian]**
3. Ansari, A.(2012). The Theory of Good Faith in Contracts, Jungle (Eternal) Publications, Second Edition. **[In Persian]**
4. Akhlaghi, B and Imam, F,(2000). Principles of International Commercial Contracts, Institute for the Unification of Private Law, First Edition. **[In Persian]**
5. Barikloo, A and Khazaei, S. (2011). The Principle of Good Faith and Its Consequences in the Pre-contractual Period with a Comparative Study of English and French Law, Judiciary Legal Journal, No. 75. **[In Persian]**
6. Hajipour, M. (2011).The Role of Good Faith in Contracts, Law Quarterly Journal of Tehran University, No. 4. **[In Persian]**
7. Jafari Langroudi, M. (1993). Law of Obligations, Tehran University Press, Third Edition, Tehran. **[In Persian]**
8. Demarchioli, M, Hatami, A and Gharaei, M.(2011) Commercial Law in the Current Legal System, Prosecutor Publications, Thirteenth Edition. **[In Persian]**
9. Shahidi, M. (2003). The Effects of Contracts and Obligations, Asr-e-Hoquq Publications, Tehran. **[In Persian]**
10. Safaei, H.(2005). International Sales Law, Tehran University Press, First Edition, Tehran. **[In Persian]**
11. Safaei, M. (2006). Vertical Rules of Contracts, Mizan Publications, First Edition, Tehran. **[In Persian]**
12. Salehi Rad, M. (2000). Good Faith in the Performance of Contracts and Its Consequences, Judiciary Legal Journal, No. -, n.d. **[In Persian]**
13. Adl, M.(1952). Civil Law, Amir Kabir Publications, Second Edition. **[In Persian]**
14. Alizadeh ,S.(2008). Foundations of the Principle of Good Faith and Fair Dealing in Contracts, Journal of Theology and Law, n.d. **[In Persian]**
15. Ghasemzadeh, S. (2012) Short Civil Law of Contracts and Obligations, Dadgostar Publications, Seventh Edition. **[In Persian]**
16. Katouzian, N. (2009).General Rules of Contracts, Volumes One and Two, Publication Company, Eighth Edition. **[In Persian]**



17. Katouzian, N.(2012). General Rules of Contracts, Volume Three, Publication Company, Seventh Edition. **[In Persian]**
18. Katouzian, N. (2010). Specific Contracts in Civil Law Course, Volume Four, Publication Company, Sixth Edition. **[In Persian]**
19. Katouzian, N. (2008). Preliminary Course in Family Law, Mizan Publications, Sixth Edition. **[In Persian]**
20. Magnus,U.(2004). Considerations on the Principle of Good Faith, translated by Mehdi Alizadeh, Journal of Theology and Ethics.
21. Musavi Bajnourdi, S. (2007). The Role of Good Faith in Contracts and Agreements in Islamic Jurisprudence and Law, Quarterly Journal of Law and Political Science Research. **[In Persian]**
22. Nouri, M.(1999). Principles of International Commercial Contracts of the International Institute for the Unification of Private Law, Ganj-e-Danesh Publications, First Edition. **[In Persian]**
23. Burton S.J.(2001) Principles of Contract Law, second edition by Paul Minn, West Group Publication.
24. Brownsword,R. (1990). Good faith in contract,Dartmouth Publishing.
25. Farnsworth,A. (1995).Duties of Good faith and fair Dealing under the UNIDROIT principles,Relevant International Convention and National Laws, Tul.J.Int.Comp.L.
26. Farnsworth,A. (1999).United States Contract Law, Publisher: Juris Publishing, Inc.,Revised edition.
27. Ferreyra,E. (1972) . principales Efectos de la contvatacion Civil,Articulo usado Buenos.
28. F.Gutierrez Falla,L. (2005). Good faith in commercial law and UNIDROIT principles of International commercial contract,penn state Interational Law review,vol 23.
29. Garner, B. (2009). et al, Black`s Law Dictionary, West Publication.
30. Juenger, F.K,(1995) Listening to Law Professors Talk About Good Faith: Some Afterthought, Tulane Law Review 1253.
31. J.Powers, P. (1999). Defining the Indefinable: Good Faith and the United Nations Convention on the Contracts for the International Sale of Goods, Journal of Law and Commerce.
32. Houtte,H. (1994).the UNIDROIT principles of International commercial contract, International trad and Business Law,published by ICC publication.
33. Larenz,K. (1958). Derecho de Las Obligaciones, Law of obligation.
34. Messineo,F. (1952).Doctorina General Del Contrato,VoVume II, Buenos Aires, Ediciones Jurídicas Europa-América.
35. Nanni,La, Buona, F. (1989).the good faith contract, Cedam .



36.Tetley, W.(2004). Good Faith in Contract Particularly in The Contracts of Arbitration and Chartering, Mc Gill University.

37.Wieacker,F. (1986).EL Principio General de la Buena FE the General Principle of Good Faith,translated by Jose Luis Carro,R.D.C.O.